

## (مقاله پژوهشی)

تبیین مبانی کلامی امام رضا(ع) و نقد دیگر فرقه‌ها و نحله‌های کلامی عصر رضوی

یعقوب فتحی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۶

## چکیده

امام رضا(ع) از استوانه‌های پایدار کلام شیعی بوده و روایات و منصوصات به جای مانده از آن حضرت، قدرت کلام شیعه و استحکام استدلال‌های امامیه را به خوبی نمایان می‌سازد. دوران امام رضا(ع) را می‌توان عصر ظهور و بروز ادیان، فرقه‌ها و نحله‌های فکری و مکاتب کلامی نامید. این مکاتب کلامی در دو سطح برون اسلامی و درون اسلامی به تئوریزه کردن عقاید و تبلیغ باورهایشان مشغول بودند، در این راستا امام رضا(ع) نیز مهمترین وجهه همت خود را ارائه واقعی مبانی کلامی امامیه، مقابله و مبارزه با ادیان، فرقه‌ها و نحله‌های فکری منحرف مصروف داشتند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی ضمن تبیین مبانی کلامی امام(ع)، در صدد نقد نحله‌های فکری و مکاتب کلامی عصر رضوی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تاکید بر اصول اساسی دین، تاکید بر نصوص اسلامی و جایگاه استدلال‌های عقلی، دفاع از حقانیت ولایت ائمه علیهم السلام و بهره‌گیری از قرآن و تفسیر صحیح آیات قرآن از مهمترین مبانی کلامی امام رضا(ع) می‌باشد.

واژگان کلیدی: مبانی کلامی امام رضا، فرقه‌ها، نحله‌های کلامی، برون اسلامی، درون اسلامی

## مقدمه

عصر امام رضا (ع)، بهترین دوران گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی است، به گونه‌ای که به «عصر طلایی» معروف شده است. (قرشی، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۱)؛ اهمیت این برهه در تاریخ اسلام با به اوج رسیدن فعالیت ادیان، مذاهب، فرقه‌های انحرافی و نحله‌های فکری و مکاتب کلامی مختلف در جامعه تشیع، ویژه است؛ زیرا از یک سو در هر گوشه‌ای از جامعه اسلامی نحله‌های فکری و مکاتب کلامی ظهور کرده و فعالیت و مبارزه با اسلام اصیل را شروع می‌نمود، و از دیگر علوم و دانش‌های آن کشورها به محیط جامعه‌ی اسلامی راه یابد و کتب علمی دیگران از یونان گرفته تا مصر و از هند تا ایران و روم به زبان عربی که زبان جامعه‌ی اسلامی بود، ترجمه شود (قیومی، ۱۳۷۳: ۲۹).

عقاید انحرافی به گونه‌ای بود که حتی خواص جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد. در شرایطی که خواص جامعه از لغزش در امان نیستند، وظیفه امام (ع) بسیار حساس می‌شود. مواجهه امام (ع)، باید به صورتی باشد که هم آتش‌گرایش‌ها و دفاع‌نحله‌ها و مکاتب کلامی منحرف را در جامعه خاموش نماید و هم شبهه‌هایی را که از طریق این جریان‌های انحرافی در جامعه انتشار می‌یابد؛ پاسخ گوید.

در این زمانه جنبش‌ها، جریان‌های انحرافی و گرایش‌های کلامی مختلفی به اوج خود رسیده بود و هر یک از این جریان‌ها سعی داشتند عقاید و باورهای خود را در جامعه نشر بدهند و بر تعداد پیروان خود بیفزایند. تلاش دولت عباسیان برای بی‌اعتبار نمودن علویان، نهضت ترجمه، برداشت‌های مختلف از معارف دینی، دنیاگرایی و تمایلات مادی برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام و موارد دیگر را شاید بتوان از مهمترین علل قد کشیدن فرقه‌ها، نحله‌ها و مکاتب کلامی منحرف و مخالف و جریان‌ها و جنبش‌های انحرافی با اسلام دانست. با نگاهی تعمیقی این گرایش‌ها و فرقه‌ها را در دو سطح برون اسلامی و درون اسلامی قابل رصد و شناسایی هستند. در سطح برون اسلامی می‌توان به زنادقه و اهل کتاب و در سطح درون اسلامی به گرایش کلامی حکومت، فرقه‌ها و نحله‌های مختلف اهل سنت و زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه، واقفیه و غلات از شیعه اشاره کرد.

انحرافات تا اندازه‌ای گسترده و عمیق بود که امام (ع) گاهی خواص خود را نیز در این

انحرافات از دست می‌داد. در این میان، امام رضا (ع) به عنوان امام جامعه‌ی شیعی باید مبانی اسلام اصیل را در جامعه پیاده نموده و مردم را با آن هدایت کنند. مطالعه تاریخ این دوره از امامت، و سیره امام (ع) نشان می‌دهد برای مقابله با این گرایش‌های کلامی اصلاحاتی روشنگرانه و اقداماتی مهم و سازنده از جانب امام معصوم (ع) بر محور مبانی اساسی دین و مذهب امامیه صورت پذیرفت.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به منظور فهم بهتر مبانی کلامی امام رضا (ع) در صدد پرداختن به این سوال است که مبانی کلامی امام رضا (ع) بر چه پایه‌هایی استوار است؟ و روش‌های امام (ع) برای نقد و به چالش کشیدن نحله‌ها و مکاتب کلامی منحرف در آن عصر کدامند؟

### پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش باید گفت آثار و نوشته‌های درخوری در خصوص رویارویی امام رضا (ع) با ادیان و فرقه‌های مختلف مانند (ر.ک: لک زایی و قاسم نژاد، ۱۳۹۱؛ غروی و میر احمدی، ۱۳۸۷؛ میرحسینی و کریمی، ۱۳۹۲؛ ابراهیم زاده، ۱۳۹۲؛ اصغری، ۱۳۸۵؛ میراحمدی و رضایی پناه، ۱۳۹۴) به ثمر رسیده است.

نکته‌ای که در این جا حائز اهمیت است این که هیچ‌یک از نوشته‌ها با رویکرد پژوهش حاضر همسویی و همپوشانی ندارد. توضیح این که در همه پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر نحوه برخورد و تعامل امام رضا (ع) با ادیان و فرقه‌های مختلف مطرح نظر قرار گرفته است. این پژوهش چنان که از عنوانش پیداست در مقام تبیین مبانی کلامی امام رضا (ع) و نقد و به چالش کشیدن نحله‌ها و مکاتب کلامی منحرف درون اسلامی و برون اسلامی عصر رضوی است و به همین علت در مقام خود بدون پیشینه و بدیع می‌باشد.

### مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری یا ادبیات نظری تحقیق به مثابه چارچوب و یا پایه‌ای است که پژوهش بر روی آن قرار داده شده است. از مهمترین مبانی نظری در پژوهش حاضر مساله تبیین مبانی کلامی امام رضا (ع) و روش‌های مواجهه با نحله‌ها و مکاتب کلامی منحرف عصر رضوی

است. باید گفت که استقبال امام رضا (ع) از مباحث کلامی و عقلی میان ادیان، فرق و گرایش‌های کلامی و حضور در این میدان نشان‌گر آن است که امام مبانی اعتقادی اسلام را دارای پایه‌های برهانی و عقلانی قوی دانسته و اعتقاد داشتند که معارف دین با عقل و علم قابل دفاع بوده و هست. امام رضا (ع) با اطمینان به حقانیت دین و واقع‌گرایی شریعت محمدی(ص) ضمن استقبال از ژرف‌کاوی عقلی در مباحث دینی همواره پرسش‌های دینی را ارج نهاده و پیروان خود را به تأمل و تدبیر و مناظره و مباحثه علمی دعوت می‌نمودند. بر همین اساس امام رضا (ع) با حرکت علمی همراه با عقلانیت و استفاده از فرصت‌ها در مباحث و دانش سرشار خود و با احاطه علمی بر مبانی ادیان و مذاهب دیگر تحول علمی عظیمی در تاریخ اسلام ایجاد نموده‌اند.

در بین روایات امام رضا (ع) به روشنی تأکید بر اعتقادات و مباحث اعتقادی و مجادلات کلامی دیده می‌شود. تعداد بسیاری از روایات امام (ع) به موضوعات اعتقادی می‌پردازند که نوع برخورد امام با مسائل مطرح شده نیز خردگرایانه و مبتنی بر استدلال‌های عقلی است نه اینکه صرفاً به استنادات قرآنی یا روایی بسنده شده باشد. عمده این روایات به دو حوزه خداشناسی و راهنماشناسی ارتباط دارند و به ریز موضوعاتی چون: مفهوم توحید، تبیین صفات الهی، رابطه اسماء و صفات الهی با ذات خدا، حدوث و قدم صفات الهی، مساله جبر و تفویض، حدوث عالم، مفهوم ایمان، راه اثبات خدا، شناخت پیامبر، عصمت پیامبران و جایگاه امام (ع) و ویژگی‌های آن می‌پردازند.<sup>۱</sup>

امام رضا(ع) مظهر عقلانیت اسلام هستند؛ به‌گونه‌ای که گرچه امام باقر(ع) و امام صادق(ع) در دوره برزخی تحول حکومت اموی و عباسی مجالی یافتند تا چهارچوب اساسی نظام حقوقی و اسلامی را از دیدگاه شیعی شکل داده و تثبیت کنند امام رضا(ع) نیز با عرضه‌ی جنبه‌ی عقلانی و معنوی دین خدا و حقیقت آن از جهتی و نیز تبیین پایه‌های نظری و اجتماعی سیستم مطلوب حکومت عدل اسلامی با محوریت امام معصوم (ع) از سویی رسالت خود را به انجام رساندند.

<sup>۱</sup> - برای نمونه: ترک: آیه الله جوادی آملی، مجموعه‌ای از احادیث اعتقادی با مضامین فلسفی از امام رضا را در مجموعه مستقلی به نام "علی بن موسی الرضا و الفلسفه الالهیه" دارالاسراء، قم، ۱۳۷۴ در تنظیمی منسجم و با توضیحات گرد آورده‌اند)

مجادلات و مناظره‌هایی نیز که امام رضا (ع) با سران و نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف انجام داد با آن همه امتیازات و خصوصیت‌های خاص خود که محتوای آنها چیزی جز تبیین علوم و معارف اسلامی نبوده از یک درخشش خاصی برخوردار بود و آن تجلی بعد منطقی و عقلانی در نوع استدلالی و کلامی بود که اقامه می‌فرمود.

با مراجعه به سخنان و مناظره‌های آن امام (ع) به راحتی می‌توان به این نکته دست یافت که هر سخنی از آن حضرت (ع) در خصوص اثبات مدعای خود با اصول منطقی و عقلانی همراه بوده است به گونه‌ای که عنصر تعقل و خرد پذیری جزء جدایی ناپذیر استدلال‌های آن حضرت (ع) در مقام احتجاج با مخالفان دین و مذهب بوده است.

و صد البته همین نکته هم باعث محکوم شدن و ساکت ماندن مخالفین در مقابل امام (ع) و در نتیجه هدایت و راه پیدا کردن آنها به دین اسلام و تشیع بوده است. که با در نظر گرفتن نقطه مشترک و مقبول بین طرفین که همان اصول منطقی و عقلی است صورت می‌گرفت.

### ۱) مبانی کلامی امام رضا(ع)

در این که نیت مامون از اهتمام بخشیدن به نهضت ترجمه چه بود باید اندیشید با این حال بی تردید یکی از دستاوردهای این اقدام، انبساط و آزاد اندیشی پس از جمودی بود که جامعه اسلامی گرفتار آن گردیده بود. چنان چه در ریشه یابی چنین جمودی و اکاوی شود به دست می‌آید که همه نحله‌ها و مکاتب کلامی اسلامی چون (مجسمه، مشبهه، خوارج، اهل حدیث، معتزله، اشاعره و.... مدارک بینشی و فکری خود را بر اساس آیات قرآن جستجو نمودند و هر گرایشی خود را حق و به تکفیر دیگران پرداخته است. در چنین شرایطی امام (ع) در برابر موج روز افزون شکل‌گیری فرق، مذاهب، نحله‌ها و مکاتب کلامی منحرف لحظه‌ای از مبارزه با افکار التقاطی غفلت نوزیدند؛ زیرا بر اساس آموزه‌های کلامی شیعه امام (ع) باید دانایترین مردم زمانه‌ی خویش باشد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۰۱) تا بتواند به آسانی از عهده‌ی پاسخ‌گویی به همه‌ی پرسش‌های دینی بر آید،

در این راستا تبیین برخی از مهمترین مبانی کلامی آن امام (ع) می‌تواند به عنوان الگویی برای علم کلام شیعه و امامیه باشد.

### ۱-۱) تاکید بر ارکان و اصول اساسی دین

اساسی‌ترین سنگ بنای اسلام توحید است؛ در آن دوران همان‌طور که مناظره‌های امام رضا (ع) نشان می‌دهد ایشان با زندیقان و نیز افرادی از مسیحیت، یهود و صابئین، زرتشتی و مانوی مواجه بودند و برخی فرقه‌های دیگر و نحله‌ها و مکاتب کلامی منحرف که در موضوع توحید یا دچار انکار یا انحراف بودند.

یا با غلات و غالیانی مواجه بودند که مراتب توحید را تنزل داده و ائمه (ع) را به مقام ربوبیت خیالی خود رسانده‌اند؛ لذا امام رضا (ع) در این فضا، مسئله توحید را به ویژه برای تبیین بیشتر مسئله امامت بیان می‌کنند چراکه در آن روزگار بحث بر این بوده که آیا امامت حق ایشان است یا خیر؟ مسئله‌ای که ثامن الائمه (ع) در سخنان خود با مامون و نیز در مناظره‌های مرو به آن اشاره کرده‌اند. (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۵: ۱۶۹) به عبارت بهتر، امام رضا (ع) هم مسئله توحید و هم امامت را در گفتمان کلامی خود بیان کرده‌اند که این مهم در شرایطی که جامعه در انتظار موضع‌گیری رهبران شیعه درباره این موضوع حساس سیاسی، اجتماعی و کلامی بود، بسیار حائز اهمیت بسیار است.

از مهم‌ترین مبانی کلامی امام (ع) در عرصه‌ی خداشناسی و الهیات به مواردی چون ادله‌ی اثبات وجود خدا، برهان فطرت، برهان معقولیت، برهان نظم، برهان حدوث و برهان حرکت؛ وحدت واجب تعالی، وحدت ذاتی (نفی ترکیب و اثبات بساطت وجود حق تعالی، نفی شریک و اثبات یگانگی وجودی خداوند، توحید صفاتی، توحید افعالی، صفات واجب تعالی، صفات ثبوتی (علم الهی - قدرت الهی)، صفات سلبی (نفی جسمانیت، نفی زمان و مکان، نفی تغییر و حرکت، نفی حلول و اتحاد با غیر اشاره کرد و نیز در عرصه‌ی نبوت می‌توان به ضرورت نبوت، اثبات ادعای مدعی نبوت، ماهیت معجزه و تلازم عقلی معجزه و صحت ادعای نبوت تاکید کرد و در عرصه‌ی امامت نیز ضرورت امامت، ویژگی‌ها و اوصاف امام، عصمت، علم امام، حلم و بردباری، راه شناخت و تعیین امام (ع) تاکید کرد.

### ۱-۲) تاکید بر نصوص اسلامی

روشی که امام رضا (ع) به ویژه در رویارویی با فرقه‌ها و نحله‌های کلامی از آن بهره برداری می‌کردند، رجوع به نصوص دینی به ویژه قرآن کریم و احادیث است. به عبارت

دیگر مواضع امام (ع) تابع اصول متغیر و مصالح غیر حقیقی زمانه نبود، بلکه تابع اصول متغیر و مصالح ثابت حقیقی بود. برای مثال در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی، تشکیل حکومت دینی بر پایه‌ی حاکمیت الهی و نه انسانی، مبنا و هدف اندیشه‌ی سیاسی ایشان بود. بر این اساس امام (ع) به دلیل معرفت به کنه حقایق دینی، رویکرد اصول‌گرایی به دین داشتند، یعنی کشف و تبیین اصول ثابت دینی و بر اساس همان اصول ثابت هم موضع‌گیری می‌کردند. مؤید این مطلب، حدیث ایشان است که فرمودند: «علینا القوا الاصول الیکم و علیکم التفرق». به طور کلی می‌توان گفت عقل و نصوص دینی در مبانی استدلال‌های کلامی امام رضا(ع)، نقش دو بال برای پرواز متکلم را ایفا می‌کند. به عنوان نمونه، معتزلیان، مرتکب گناه کبیره را فاسق (نه مؤمن و نه کافر) می‌دانستند (اشعری، ۱۴۰۵ ق: ۱۳۸).

هنگامی که این باور معتزله نزد امام (ع) مطرح شد، با تمسک به آیه‌ی «ان ربک لدو مغفره للناس علی ظلمهم» (رعد/۶) فرمودند: قرآن بر خلاف باور معتزله نازل شده است (ابن شهر، ۱۳۷۲ ش، ج ۲: ۸۵). همچنین حضرت با تمسک به روایت نبوی و علوی، افکار غلات را نقد کردند (صدوق، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۰۱ - ۲۰۰). امام رضا (ع) در سخنی قاطع، ملاک و معیار اعتقاد اهل بیت (ع) را چنین بیان کردند: «هر آنچه قرآن و سنت بر آن شهادت دهد، ما قائل به آن هستیم» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۰۲) یکی دیگر از ابزارهای امام رضا (ع) برای هدایت ادیان و مذاهب، بهره‌جویی از تفسیر یا تأویل نصوص دینی است. امام (ع) چنین گفتمانی از دین و به ویژه از اندیشه و فرهنگ سیاسی اسلام داشتند و آن را تبلیغ می‌کردند و تعلیم می‌دادند. گفتمانی که در تضاد و تقابل با گفتمان حاکم بر زمانه‌ی سیاسی عباسی بود.

### ۳-۱) دفاع از حقانیت ولایت ائمه (علیهم السلام)

مسئله‌ی امامت بعد از توحید و نبوت، مهم‌ترین مسأله در دین اسلام است. به باور همه امامان، امام باید منصوب باشد، یعنی شخص امام باید از جانب خدا و رسول خدا تعیین شده باشد، چون عصمت در امام شرط است و شخص معصوم را فقط خدا و رسول خدا می‌شناسد. شیخ طوسی می‌فرماید: «امامت بعد از توحید مهم‌ترین مسأله دینی است، چه بدون شناخت و فهم جایگاه امام، توحید ناقص خواهد بود و جمیع دستاوردهای پیامبر

اعظم (ص) در معرض خطر و اضمحلال قرار خواهد گرفت» (طوسی، ۱۳۵۱: ۵۰). فیاض لاهیجی نیز در این باب گفته است: «جمهور امامیه، امامت را از اصول دین دانند، چون بقای دین و شریعت را به وجود امام موقوف دانند، چنان‌که ابتدای شریعت موقوف به وجود نبی است. پس حاجت دین به امام به سان حاجت دین به نبی است» (فیاض لاهیجی، بی‌تا: ۳۳۳). بنابراین، امامت جزء اصول دین است و مباحث مربوط به آن در ردیف مباحث توحید و نبوت خواهد بود و بدین جهت باید در دانش کلام مورد بحث قرار گیرد.

هریک از فرقه‌های گونه‌گون اسلامی، امامت را طبق باور خود تعریف کرده‌اند. از آن میان فرقه دوازده امامی گرچه امامت را با تعبیر گونه‌گون تعریف نموده‌اند، لیکن در سه نکته اتفاق نظر دارند که ذیلاً بدانها اشاره خواهد شد. ابن میثم بحرانی می‌گوید: «الإمامة ریاسة عامة فی أمور الدین و الدنیا للإنسان الذی له الإمامة بالأصالة: امامت ریاست عام (مطلق) بالأصالة در جمیع امور دینی و دنیایی برای انسانی برگزیده از جانب خدا و رسول می‌باشد» (بحرانی، ۱۳۵۵: ۱۷۴).

سه نکته مورد اشاره در این تعریف گنجانده شده است: یکی ریاست عامه و ولایت مطلق امام در جمیع شئون دنیایی و دینی است. دوم، برگزیدگی و منصوص بودن امام از جانب خدا و رسول است. سوم آنکه این ریاست نیابت و خلافت بدون فاصله بعد از پیامبر است. قید اخیر، جهت اخراج نایبان خاص یا عامی است که از جانب پیامبر تعیین می‌شدند. شیخ طوسی در این باب می‌فرماید: «الإمام رئیس مُنْبَسِطُ الْيَدِ، يُرَدِّعُ الْمُعَانِدِينَ وَ يَنْتَصِفُ لِلْمَظْلُومِينَ مِنَ الظَّالِمِينَ: امام رئیس گشاده دستی است (دارای ولایت مطلق است) که از زیاده طلبی معاندان جلوگیری می‌کند و داد ستمدیدگان از ستمگران بستاند» (طوسی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۶۰).

خواجه نصیر طوسی نیز در تعریف امامت می‌فرماید: «الإمامة ریاسة عامة دینیة مُشْتَمَلَةٌ، عَلَى تَرْغِيبِ عُمُومِ النَّاسِ فِي حِفْظِ مَصَالِحِهِمُ الدِّينِيَّةِ وَ الدُّنْيَاوِيَّةِ وَ زَجْرِهِمْ عَمَّا يَضُرُّهُمْ بِحَسَبِهَا: امامت ریاست عام و مطلق است که شامل واداشتن مردمان بر حفظ مصالح دینی و دنیایی‌شان می‌باشد و نیز بازداشتن مردم از کارهای خلاف مصالح‌شان که به دست امام صورت گیرد» (حلی و طوسی، ۱۳۶۰: ۱۷۷).



علامه حلی نیز می‌فرماید: «امامت ریاست عامه در امور دینی و دنیایی برای شخص وارسته‌ای از آدمیان به نیابت از پیامبر اکرم (ص) و انتخاب ایشان می‌باشد» (حلی، ۱۳۷۵: ۶۶). عبدالرزاق لاهیجی نیز می‌فرماید: «مراد از امامت نیست مگر ریاست عامه مسلمین در امور دنیا و دین بر سبیل خلیفگی و نیابت از پیغمبر» (فیاض لاهیجی، بی تا: ۳۲۹).

امام رضا (ع) در تمام دوره‌ی حیات سیاسی خویش و به انحای مختلف از ولایت ائمه (علیهم السلام) دفاع کردند. امام (ع) از کوچک ترین فرصت‌ها سود می‌جستند تا به دیگران یادآوری کنند که مأمون در اعطای سیمت ولایت عهدی کار مهمی نکرده، جز آنکه در راه برگرداندن حق مسلم و غضب شده‌ی او، گام برداشته است. امام (ع) قانونی نبودن خلافت مأمون را پیوسته به مردم خاطر نشان می‌ساختند

حسین بن خالد می‌گوید: «از امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) درباره‌ی امامت پرسیدم، و ایشان فرمودند: "امامت همان ولایت است که هر کس به ناحق آن را ادعا کند، کفر ورزیده است» (صدوق، ۱۳۷۲: ۱۱۰). همچنین ایشان در حضور شیعیان، متکلمان و دانشمندان کوفه، که در میان آنان دانشمندان یهود و نصاری نیز حضور داشتند، فرمودند: "بدانید امام بعد از محمد (ص) تنها کسی است که برنامه‌های او را تداوم بخشد، هنگامی که امر (امامت) به او می‌رسد (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۳۵۰).

امام رضا (ع) در جای دیگری می‌فرمایند: "امامت مقام پیغمبران، میراث اوصیا، خلافت الهی، جانشینی رسول خدا (ص)، مقام امیرالمؤمنین (ع) و یادگار حسن و حسین (علیهما السلام) است. به راستی امامت، زمام دین، مایه‌ی نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزتمندی مؤمنان است" (خرازی، بی تا، ج ۱: ۹)؛ از جمله همان بزرگوار فرمودند: «بدون امام شناخته شده (امام زنده) حجّت بر خلق تمام نیست» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۵۰).

#### ۴-۱) تاکید بر جایگاه عقل و استدلال

عقل گرایی محض از کتاب‌های عقلی یونانی و غیر آنها به وجود آمد است، عده‌ی زیادی را به مذهب اعتزال سوق داد، به گونه‌ای که گمان کردند تنها عقل سرچشمه‌ی معرفت است و به تدریج خود را بی نیاز از وحی دانستند و از این روست که می‌بینیم امام رضا (ع) در راستای تنویر افکار عمومی مسلمانان و شیعیان به تنقیح و تبیین معارف دینی و

تشکیل جلسه‌های مناظره و ...پرداختند، راه و رسم تحقیقی و تحصیل علم را به مردم و اهل علم معرفی کردند تا آنها را از خطر انحراف نجات دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۴۳۴ - ۴۳۲)

یکی از مبانی کلامی امام رضا(ع)، استفاده از روش استدلالی و عقلی است، چه در مناظره‌های حضرت و چه در برخورد با مأمون، این شیوه به خوبی دیده می‌شود. در مباحث کلامی و اعتقادات نیز این شیوه استدلالی بسیار برجسته است. (صدوق، ۱۳۷۲: ۱۳۱). برای نمونه امام (ع) در پاسخ مأمون که اصرار بر قبول خلافت داشت، با ارائه‌ی دلیل اثبات فرمودند خلافت حق مأمون نیست که بخواهد آن را واگذار کند: «اگر این خلافت حق توست و خداوند آن را برای تو مقرر کرده است، بنابراین جایز نیست خود را از آن خلع کنی و لباسی که خداوند بر تو پوشانده از خود دور کنی و بر دیگری بپوشانی و اگر چنانچه خلافت حق تو نیست، حق نداری آن را به دیگری واگذار کنی» (همان: ۱۳۲ - ۱۳۱) اباضت هروی از حضرت رضا (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمودند "از دانایان باشید نه از راویان؛ اگر حدیثی را از روی فقه، بصیرت و دانایی درک کنید و معانی آن را بدانید، بهتر است از اینکه هزار حدیث را بدون درک معانی آن، روایت کنید" (حموی جوینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۸۰). امام (ع) تفهم و تعقل را در جایگاهی بالاتر از نقل قول و روایت احادیث قرار دادند، زیرا نقل قول تنها کفایت نمی‌کند و در فرایند تربیت، درک و فهم درست حائز اهمیت است.

## ۲) معرفی فرقه‌ها و نحله‌های فکری کلامی عصر رضوی

همان گونه که گذشت تلاش دولت عباسیان برای بی‌اعتبار نمودن علویان، نهضت ترجمه، برداشت‌های مختلف از معارف دینی، دنیاگرایی و تمایلات مادی برخی از اصحاب ائمه (علیهم السلام) و موارد دیگر را شاید بتوان از مهمترین علل قد کشیدن فرقه‌های کلامی و نحله‌های فکری منحرف با اسلام دانست.

با نگاهی تعمیقی این نحله‌ها و فرقه‌های کلامی را در دو سطح برون اسلامی و درون اسلامی قابل رصد و شناسایی هستند. در سطح برون اسلامی می‌توان به زنادقه و اهل کتاب و در سطح درون اسلامی به نحله‌ی کلامی حکومت، فرقه‌های مختلف اهل سنت و

زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه، واقفیه و غلات از شیعه اشاره کرد که در این مجال ضمن معرفی اجمالی برخی از مهم‌ترین این فرقه‌ها و نحله‌ها مواجهه‌ی امام رضا(ع) را با این گرایش‌ها تبیین می‌شود.

### ۱-۲) اهل کتاب و زنادقه (برون اسلامی)

در دوران امام رضا(ع) در نتیجه گشایش‌های به عمل آمده، فرقه‌ها و نحله‌های کلامی مختلف یا حتی متضاد در زیر بستر جامعه این امکان را پیدا کردند تا کشاکش‌های خویش را به صورت علنی به نمایش بگذارند (ابن واضح، ۱۳۷۵ق، ج ۲: ۴۴۲).

این عصر یکی از دوران اوج گیری کلام اسلامی بوده و به واسطه بدعت‌ها و التقاط‌های موجود، این نیاز احساس می‌شد تا با نگاهی به اصول و نصوص دینی و در کنار فقه، رهیافتی عقلی و خردگرا در ساحت گفتمان هویتی پرورش یابد. (میراحمدی و رضایی پناه، ۱۳۹۴).

گسترش سرزمین‌های اسلامی، نهضت ترجمه و پراکنش آثار یونانی، مصری، ایرانی، رومی، هندی و ...، روحیه معتزلی و روا داری مأمون به اوج گفت‌گو و بحث در عرصه عمومی، تنازع قدرت در راس حاکمیت، برخورد جامعه اسلامی با اندیشه‌ها و مذاهب و فرق دیگر و در پی آن فزونی‌یابی گفتگوها و بحث‌های عقلی، کلامی، فلسفی، عرفانی و ... صحنه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر امام هشتم (ع) را دوران رویارویی گفتمان‌ها، فرقه‌ها و نحله‌های کلامی مخالف کرده بود. در این دوران امام رضا(ع) به مقابله با این روند پرداختند. بخش عمده‌ای از تلاش‌های ایشان، معطوف به مناظره‌ها و مواجهه با نحله‌های کلامی کفار، مشرکان و اهل کتاب بود. در دوران ایشان نمونه‌های فراوانی از احتجاج‌ها و مناظره‌های هویت پایه حضرت (ع) با دهریان، مشرکان و ارباب اهل کتاب دیده می‌شود (همان)

مأمون از جاثلیق رئیس اسقفها، و رأس الجالوت دانشمند برجسته یهود، و رؤسای صابیه‌ها و بزرگترین هیربد و رئیس و دانشمند هندوها و زردشتیها، و نیز نسطاس رومی پزشک و گروهی از متکلمان خواست که با امام رضا(ع) به مناظره و مباحثه علمی پردازند، و یاسر خادم را نزد امام (ع) روانه داشت، و به وسیله او، تشکیل جلسه مناظره علمی و

تاریخ انعقاد آن را به آگاهی امام (ع) رسانید و از آن حضرت خواست که در جلسه حضور یابند. (فضل الله، ۱۳۸۱: ۲۰۱)؛ شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا(ع) شش مناظره از مناظره‌های امام (ع) را با بزرگان ادیان مختلف و ثنوی‌ها و دهریون گردآورده است (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۳: ۱۳۵-۱۸۰)

گفتنی است مباحثی چون اثبات توحید خدا، نفی تشبیه، نفی تجسیم، اثبات نبوت پیامبر(ص) و نفی الوهیت حضرت عیسی(ع) و تثلیث از مهمترین محورهای مناظره‌های امام رضا(ع) بانحله‌ای کلامی برون اسلامی می‌باشد.

## ۲-۲) فرقه‌های اهل سنت (درون اسلامی)

امام رضا (ع) در دورانی زندگی می‌کرد که عصر شکوفایی تمدن اسلامی بود و ترجمه کتب یونانیان، رومیان و ... بسیار انجام می‌شد. از طرف دیگر، تشکیک در اصول و عقاید از سوی ملحدان و مخالفان و قائلان به تجسیم، تشبیه و .... نیز امری شایع بود. بر این اساس در آن دوران، فرصت مناظره با دانشمندان مذاهب مختلف، برای آن حضرت مهیا شد. (جعفر سبحانی، ۱۴۱۹: ۱۴۷).

در واقع دوران امام رضا (ع) دوران شیوع مناظره‌ها و احتجاج‌ها بین زعمای ادیان و مذاهب اسلامی و غیر اسلامی بود که در بسیاری از مباحث کلامی به ویژه در مباحث اصول دین، جدال و نزاع علمی شدیدی بین آنها اتفاق می‌افتاد. (قرشی، بی تا: ۱۰۱).

یکی از گفتمان‌هایی که هم از نظر طرفداران و هم از نظر حکومت وقت حمایت می‌شد گفتمان اهل سنت است به همین علت در این قسمت ضمن معرفی اجمالی مهمترین دیدگاه‌های فرقه‌های مهم اهل سنت را در سه حوزه؛ توحید، نبوت و امامت مطرح و در ادامه با عنایت به گفتمان کلامی امام رضا(ع) آنها را نقد می‌کنیم. خوارج، مرجئه، قدریه و جهمی، معتزله، اصحاب حدیث، اشاعره و ماتریدی،

### ۲-۲-۱) گرایش کلامی مجسمه و مشبّه

مجسمه و مشبّه، فرقه‌ای از متکلمان اهل سنت هستند که خداوند را جسم می‌پندارند. (بغدادی، ۱۳۶۷: ۲۶۵). آنها خدا را تشبیه به خلق کرده، برای او جا و مکان تعیین می‌کنند که نوعی محدود کردن خداوند است. هم چنین معتقدند خداوند بر عرش جای داشته، اعضای

بدن دارد. (مشکور، ۱۳۷۵: ۳۹۰)

### ۲-۲-۲) گرایش کلامی معتزله

معتزله، نام یکی از فرقه‌های کلامی عامه است که به اصحاب عدل، اصحاب توحید، قدریه و عدلیه نیز شناخته می‌شوند. (شهرستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۵۶). وجه جامع باورهای معتزلیان، اصول پنج‌گانه توحید، عدل، وعد و وعید، منزله بین‌المنزلتین و امر به معروف و نهی از منکر است. (همان، ج ۳: ۳۹۹).

معتزلیان، مرتکب گناهان کبیره را نه مؤمن و نه کافر می‌دانستند، بلکه آن فرد را در شمار فاسقان قرار می‌دادند؛ زیرا فسق حد وسط میان ایمان و کفر است. این نظریه به عنوان «منزله بین‌المنزلتین» شهرت یافت. (اشعری قمی، ۱۳۶۱ش: ۱۳۸؛ شهرستانی، ۱۴۱۰ق: ۱۸).

### ۲-۲-۳) گرایش کلامی خوارج

در اثنای جنگ صفین که میان امام علی(ع) و معاویه در سال ۳۶ و ۳۷ق. در گرفت، اختلافی در سپاه امام (ع) رخ داد که مبدا پیدایش فرقه‌ای به نام خوارج شد. هرچند در آغاز به نظر می‌رسید که خوارج صرفاً فرقه‌ای سیاسی نظامی هستند، اما در ادامه به یک فرقه اعتقادی مذهبی تبدیل شدند. دلیل این تحول آن بود که آنها سعی کردند تا کار خویش را توجیه دینی کنند (برنجکار، بی تا، ص ۱۶) این فرقه در طول تاریخ تحولات و تطورات چشمگیری داشته و خود به ده‌ها فرقه منشعب شده است (همان، ص ۱۹) عقاید مشترک خوارج: ۱- مسائلی که به ایمان و کفر مربوط می‌شوند: همه خوارج مرتکب گناه کبیره را کافر می‌دانستند. این مساله اعتقادی دارای لوازم بسیار مهم کلامی است که معمولاً در زمان‌های بعدی تبیین و تفسیر شده‌اند (ر.ک: برنجکار، بی تا، ص ۱۹) ۲- مسائلی که مستقیماً به ایمان و کفر مربوط نمی‌شوند که از مهمترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

امر به معروف و نهی از منکر در همه درجات واجب است؛ مرتکب کبیره چون کافر است، عذابش اخروی ابدی است و در آتش خالد و جاودان است؛ در صورتی که وجود امام ضروری باشد، او با انتخاب آزادانه همه مسلمین تعیین می‌شود و امامتش تا زمانی که بر طبق عدل و شروع عمل می‌کند و دچار خطا نشود ادامه خواهد داشت؛ امامت و خلافت از غیر

قریش نیز رواست؛ آنها امام علی (ع)، عثمان، طلحه، زبیر، عایشه و همه خلفای بنی امیه و بنی عباس را کافر می‌دانند و تبری از آنها را واجب می‌شمارند (همان)

#### ۴-۲-۲) اهل حدیث

یکی از فرقه‌های کلامی مهم اهل سنت در عصر امام رضا (ع) "اهل حدیث" است. آنان بر ظاهر آیات و روایات جمود داشتند و بر این اساس در مساله صفات خبریه خداوند یا تصویری جسمانی از خداوند ارائه می‌کردند، یا با اثبات این صفات و بدون تبیین آن‌ها، سکوت اختیار می‌کردند. آنان نه تنها عقل را به عنوان یک منبع مستقل برای استنباط عقاید قبول نداشتند، بلکه مخالف هرگونه بحث عقلی پیرامون احادیث اعتقادی بودند. به دیگر سخن، این گروه هم منکر کلام عقلی بودند که در آن عقل منبع مستقل عقاید است، و هم مخالف کلام نقلی بودند که در آن عقل لوازم عقلی را استنباط می‌کند. مالک بن انس، احمد بن حنبل و محمد بن ادریس شافعی از مشهورترین چهره‌های این گرایش کلامی هستند (برنجکار، بی تا، ص ۵۵)

مهمترین اعتقادات اهل حدیث از این قرار است: (ایمان، قول - عمل و نیت است و قابل ازدیاد و نقصان است و در آن استثنا وجود دارد؛ هرچه در جهان رخ می‌دهد به قضا و قدر الهی است؛ انسان در هیچ فعلی از خود اختیار ندارد؛ جهاد، نماز جمعه، عیدین و حج تنها همراه امام پذیرفته است؛ تکفیر مسلمانان به خاطر گناه جایز نیست؛ قرآن کلام خدا و مخلوق نیست (همان، ص ۵۷)

#### ۵-۲-۲) گرایش کلامی مرجئه

کلمه (ارجاء) در لغت عرب دو معنا دارد: تاخیر انداختن و امید دادن (ر.ک: الصحاح، ج ۱، ص ۵۲؛ مصباح المنیر، ص ۲۲۲) اطلاق اسم مرجئه یا مرجیه بر گروهی خاص به معنای نخست از آن روست که آنان عمل را از ایمان موخر می‌دانستند و معتقد بودند که عمل از حیث رتبه بعد از ایمان بوده و داخل در حقیقت ایمان نیست؛ اما اطلاق این اسم به معنای دوم از آن روست که معتقد بودند معصیت به ایمان ضرر نمی‌زند، همان گونه که با وجود کفر طاعت فایده‌ای ندارد (برنجکار، بی تا، ص ۲۲) برخی دیگر گفته‌اند ارجاء به معنای تاخیر انداختن حکم مرتکب کبیره تا روز قیامت است یعنی در دنیا نباید در مورد

آن‌ها قضاوت کرد و آنها را اهل بهشت یا جهنم دانست (همان) درباره آرا و اندیشه‌های مرجئه و هویت حقیقی آنها در بین مورخان اختلاف نظر وجود دارد و به نظر می‌رسد مرجئه به چندین مذهب و فرقه مختلف تقسیم می‌شوند (ر.ک: برنجکار، بی تا، ص ۲۲ و همچنین مشکور، ۱۳۷۵: ۱۶۵)

### ۳) نحله‌های فکری فرقه‌های شیعی (درون اسلامی)

#### ۳-۱) گرایش کلامی غلات

واژه «غلات» جمع «غالی» و به معنای گزافه‌گویان و یاوه‌سرایان است. غلات، فرقه‌هایی از شیعه هستند که در تشیع افراط نموده، درباره ائمه خود گزافه‌گویی کردند و قائل به خدایی ایشان و یا حلول جوهر نورانی الهی در ائمه و پیروانشان شدند. (مشکور، ۱۳۶۸: ۱۵۱)

در زمان امام رضا (ع) گروهی از غلات درباره پیامبر (ص) و ائمه از حد خارج می‌شدند و آنان را بالاتر و فراتر از حق و مقام خود تصور می‌کردند؛ چنان‌که یونس بن ظبیان از پیروان ابوالخطاب (بنیان‌گذار فرقه غالی خطابیه) قائل به الوهیت امام رضا (ع) بود و چون این سخن و اعتقاد او به اطلاع امام رسید، بسیار خشمگین شد و او را نفرین کرد. (طوسی، ۱۳۴۸ق: ۳۶۳؛ مجلسی، ۱۳۷۵ق، ۲۵: ۲۶۴)

پاره‌ای از غلات نیز ائمه را موجوداتی فوق بشری و غیر طبیعی می‌دانستند که خداوند کار جهان، اعم از خلق و رزق را به آنان تفویض کرده است (این تفویض، غیر از تفویض در باب جبر و اختیار است). و آنان را به این سبب، مفوضه نامیده‌اند. (نوبختی، ۱۳۵۵: ۸۴). برخی از مفوضه نیز ائمه را پیامبرانی می‌دانستند که بر آنان وحی نازل می‌شود، لکن امام رضا (ع) در سخنان خود، چنین اعتقاداتی را قاطعانه نفی کرد. (مازندانی، ۱۴۲۱ق ج ۴: ۳۴۸)

#### ۳-۲) فطحیه

فرقه‌ی فطحیه گروهی بودند که در اوج خفقان حکومت منصور (۱۵۸ - ۱۳۶ق) و پس از شهادت امام صادق (ع) (۱۴۸ق) در حالی که در سرگردانی و حیرت به سر می‌بردند، به سراغ امامت عبدالله افطح رفتند، زیرا عده‌ای از آنها ناقل روایتی بودند که امامت را در پسر

بزرگتر امام قبلی منحصر می‌دانستند (کشی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۲۵) البته ناگفته نماند که پذیرش اصل انتقال امامت از برادر به برادر، این زمینه را برای فطحیان و بلکه دیگر جریان‌های شیعی فراهم آورد که به این اصل در هنگام پدید آمدن بحران‌های شدید عمل کنند و از مسیر امامیه منحرف شوند. این موضوع، پس از وفات امام حسن عسگری (ع)، عده‌ای از شیعیان را به خود جذب کرد و در این بین، عده‌ای از فطحیه و از جمله علی بن طاحی (طاحن)، با تکیه بر همان اصل پیشین خود به جعفر پیوستند (نوبختی، ۱۳۵۵ق: ۱۰۶)

### ۳-۳) گرایش کلامی واقفیه

واقفیه، اسمی عام برای هر گروهی است که در یکی از مسائل امامت بر خلاف رأی اکثریت، توقف می‌کردند، (مشکور، ۱۳۷۵ش: ۴۵۴). به گونه‌ای که شهرستانی «باقریه» و «جعفریه» را واقفه می‌خواند و واقفیه را کسانی می‌داند که بر امامت این دو امام (علیه السلام) توقف کردند. (شهرستانی، ۱۴۱۰ق ج ۱، ۱۹۳). این اصطلاح به صورت خاص، نام فرقه‌ای از شیعه است که منکر رحلت امام کاظم (ع) شدند و امامت را به آن حضرت (ع) قطع نمودند و اظهار کردند او زنده است و «قائم آل محمد (ص)» اوست و غیبت او مانند غیبت موسی بن عمران از بنی اسرائیل است، (یحیی امین، ۱۳۷۵، ج ۱، ۳۰۰). یا این که آن حضرت رجعتی شبیه به حضرت عیسی (ع) دارد، به گونه‌ای که خداوند او را بالا برده و به هنگام قیامت باز خواهد گرداند. (ر.ک: نوبختی، ۱۳۷۵، فرق الشیعه). «موسیه»، «مفضلیه» و «ممطوره» نام‌های دیگر این فرقه است. (شهرستانی، ۱۴۱۰ ج ۱، ۱۹۷).

آری! این گروه با توقّف در امامت موسی بن جعفر(ع) از همان ابتدا مورد لعن، نفرین و براءت امامان قرار گرفتند و به گروه «ممطوره» نیز اشتها یافتند (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۲۶۷).

به نظر می‌رسد فرقه واقفیه به عللی چون انگیزه‌های اقتصادی و مادی، سوءبرداشت از روایات و جعل و تحریف آن‌ها و سوءبرداشت از فعالیت‌های امام کاظم(ع) پدید آمده که البته با توجه به منابع رجالی و روایی، مهم‌ترین علت انحراف آن‌ها را انگیزه‌های مادی و مالی می‌توان دانست.



## ۳-۴) گرایش کلامی زیدیه

زیدیه، گروهی بودند که پس از قیام زید بن علی (ع) (۱۲۲ ق) شکل گرفتند و حداقل تا زمان امامت امام رضا (ع) بیش از آنکه به امور فرهنگی و اعتقادی بپردازند، به کارهای سیاسی رو آوردند. زیدیان، زید بن علی (ع) را یکی از ائمه‌ی خود می‌دانستند و با الهام از قیام او، یکی از شرایط و البته مهمترین شرط امامت را قیام و خروج با شمشیر بیان می‌کردند. آنان با این تفکر و همچنین از آنجا که خلافت را حق فرزندان حضرت فاطمه ما می‌دانستند، با حکومت‌های وقت به مقابله پرداختند و به محض یافتن فرصت و زمانی مناسب، قیام کردند. اعتقاد به حسن و قبح عقلی، همانند معتزله، تأویل صفات ذات خدا، عدم اعتقاد به عصمت و بدا و رجعت، اعتقاد به بر حق بودن خلافت خلفای سه گانه، اعتقاد به امامت مفضول بر فاضل از جمله مبانی اعتقادی زیدیه می‌باشد. (برنجکار، بی تا، ص ۴۴) نکته ای که باید اشاره کرد این که باید حساب زین بن علی را از زیدیه جدا کرد چرا که امامان معصوم و دانشمندان معمولاً زید را به جهت تقوا و دانش و شجاعت ستوده اند و قیامش را مورد تأیید قرار داده اند، از نظر آنان زید مدعی امامت نبود و به امامت پدر و برادر و پسر برادرش معتقد بود و با رضایت آنان و انگیزه خون امام حسین (ع) قیام کرد (همان)

## ۳-۵) گرایش کلامی اسماعیلیه

اسماعیلیه فرقه ای هستند که به امامت شش امام اول شیعیان اثنی عشری معتقدند اما پس از امام صادق (ع) بزرگترین فرزند او، اسماعیل یا فرزند اسماعیل، محمد، را به امامت می‌پذیرند. به این ترتیب، آنان به هفت امام معتقدند و همین مطلب اعتقاد مشترک در میان همه فرقه های اسماعیلیه است، و یکی از ادله نامیده شدن اسماعیلیه به (سبعه) همین مطلب است. از دیگر ادله این نامگذاری اختلاف آنها با امامیه در مورد هفتمین امام است. برخی گروههای اسماعیلیه به امامان هفتگانه دیگری غیر از هفت امام مذکور قائل اند عقاید دیگر نیز مانند هفت پیامبر اولوالعزم در میان اسماعیلیان مطرح شده است که می‌توانند منشاء این نامگذاری باشد. از دیگر نامهای اسماعیلیه (باطنیه) است. مهمترین ویژگی این گروه باطنی گری و تاءویل آیات و احادیث و معارف و احکام اسلامی است. آنان معتقدند که متون دینی

و معارف اسلامی دارای ظاهر و باطن است که باطن آن را امام می‌داند و فلسفه امامت، تعلیم باطن دین و بیان معارف باطنی است. اسماعیلیه در جهت تاءویل معارف اسلامی معمولاً از آرای فیلسوفان یونان که در آن زمان سخت رواج یافته بود، سود می‌جستند. به اعتقاد همه فرق اسلامی، اسماعیلیان در تاءویل دین افراط کردن، حتی بسیاری از مسلمانها آنان را به عنوان یکی از فرق و مذاهب اسلامی قبول ندارند (برنجکار، بی تا، ص ۴۶)

#### ۴) نقد فرقه‌ها و نحله‌های فکری منحرف از منظر مبانی کلامی امام رضا(ع)

بیان شد که امام رضا (ع) در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ شیعه به امامت رسید. امام در دوره امامت خود توانست در چند جبهه فرهنگی از جایگاه خطیر دین اسلام، قرآن، نبوت و امامت دفاع کند، ایشان از یک سو اصلاح و رفع شبهات دینی و معرفی اسلام اصیل را و از دیگر سو موقعیت امامت را تقویتی دوباره بخشید. در این قسمت از مقاله با عنایت به مبانی کلامی امام رضا(ع) که شرح آن‌ها گذشت، به مهمترین روش‌های ایشان در نقد و به چالش کشیدن فرقه‌ها و نحله‌های فکری منحرف از منظر مبانی کلامی امام رضا(ع) مختلف و منحرف عصر رضوی می‌پردازیم.

#### ۱-۴) برگزاری مناظره‌های علمی

گفتگو و مناظره با سران جریان‌های مخالف، از مهمترین اقدامات امام رضا(ع) جهت خنثی کردن عقاید آنان بوده است، زیرا گفتگو و مناظره حقیقت را برای همگان آشکار و مشخص می‌کند.

منابع این مناظره‌ها را می‌توان در کتاب‌هایی چون: عیون اخبار الرضا(ع) (باب ۱۲، ص ۳۱۳)؛ احتجاج طبرسی (ج ۲، ص ۱۷۲) و بحار الانوار (ج ۲، ص ۱۹۳) جستجو کرد. مناظره با سران گرایش‌های برون اسلامی چون عمران صابی، جاثلیق، هیرید اکبر و راس الجالوت هریک نشان از استقبال امام(ع) از مناظره دارد. (رک: ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۸۷-۱۵۴).

از گفتگوهای درون اسلامی هم می‌توان به مناظره با "ابوقره" در باره ی مسائل خداشناسی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۱۳۱-۱۳۰-۹۶)؛ گفتگو با "یحیی ضحاک" در باره امامت

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۲-۳۱) و مناظره ی دنباله دار امام(ع) با "سلیمان مروزی" در باره ی توحید( همان، ۱۹۰-۱۷۹) اشاره کرد.

#### ۲-۴) بهره جویی از قرآن و تفسیر صحیح آیات آن

یکی دیگر از روش هایی که امام رضا(ع) در رویارویی با فرق و گرایش های کلامی از آن استفاده می کرد، بهره جویی از قرآن و تفسیر صحیح آیات آن بود. برای مثال معتزلیان مرتکب گناه کبیره را فاسق (نه مومن و نه کافر) می دانند. (ایچی، ۱۳۲۵، ص ۱۳۶) هنگامی که این باور معتزله نزد امام(ع) مطرح شد، با تمسک به آیه (...ان ربک لذومغفره للناس علی ظلمهم...) (رعد/۶) فرمودند: قرآن بر خلاف باور معتزله نازل شده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸ق، ج ۲: ۸۵) همچنین در برابر مفوضه با تبیین مفهوم صحیح از تفویض به معنای واگذاری امر دین به رهبران دینی، معنای ناصحیح را واگذاری امر رزق و روزی دانسته، در این باره با تمسک به آیه های ۶۲ سوره زمر و ۴۰ سوره روم دیدگاه مفوضه را نادرست و در تضاد با قرآن دانستند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۳) همچنین امام (ع) قرآن را تکذیب کننده امکان رویت، که اهل حدیث و مجسمه به آن معتقد بودند و اجازه دادند هر روایتی که با قرآن ناسازگار نباشد، تکذیب شود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۹۶) برخورد امام (ع) با خوارج زمان خویش مبنی بر پذیرش ولایتعهدی از سوی امام (ع) و شکوه خوارج در خصوص همکاری با حکومت را با استناد به آیات قرآن را رد کردند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۷ و عیاشی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۰)

#### ۳-۴) بصیرت افزایی و ترویج تشیع اعتقادی

امام (ع) در نظر داشت علاقه پرشور مردم را به موضع گیری در صراط تشیع اعتقادی تبدیل نموده و به مردم و علمای دیگر فرقه های کلامی بفهماند که علاقه و شعار به تنهایی کافی نبوده و تنها از طریق اهل بیت است که میتوان به اسلام اصیل و ناب دست یافت. آن حضرت غالباً روایات خویش را با حفظ سلسله سند از امامان قبل از خود را تا امام علی(ع) و پیامبر(ص) نقل و با این روش تشیع اعتقادی را تایید می کرد و با گرایش های کلامی تشیع سیاسی مانند زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه و واقفیه هیچ گاه حمایت نمی نمود (اشتهاردی، ۱۳۷۱: ۱۶۵).

دقت در روایات و گزارش‌های رسیده، نشان می‌دهد که امام رضا (ع)، علاوه بر این که در دوران حضور در مدینه، به پاسخ‌گویی و مواجهه با فرقه‌واقفیه می‌پرداخته است، حتی در مسیر راه خود از مدینه به مرو و همچنین در خود مرو نیز به این مهم توجه داشته است. شاهد بر این گفته روایتی است که بیان می‌کند که در مسیر راه مذکور، شخصی به نام جعفر بن محمد نوفلی شبهه‌واقفیه مبنی بر زنده بودن امام کاظم (ع) را بیان می‌کند و امام پس از دروغگو نامیدن و لعن آنها، به ارائه پاسخ می‌پردازد (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۵۹).

گزارشی از حسن بن علی و شاء وجود دارد که نشان می‌دهد که امام در مرو، هم به مسأله واقفه توجه داشته است. طبق این خبر، امام، حسن بن علی و شاء را به مرو خوانده، مرگ علی بن ابی حمزه بطنانی در آن روز و چگونگی احوالاتش در قبر را به اطلاع وی رسانده است (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی تا، ج ۴: ۳۳۷).

از آنجا که فضای حاکم بر جامعه اسلامی در زمان حکومت مامون، مملو از آراء و نظریات مختلف از سوی گروه‌های گوناگون بود، نقش امام (ع) در برابر این امواج فکری بسیار خطیر و حساس بود. از این رو بخش عمده روایات که از آن حضرت نقل شده است در موضوعات کلامی، آن هم در شکل پرسش و پاسخ و گاهی مناظرات است. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۵۰) امام (ع) در پاسخ به مامون که از تناسخ و قائلان به آن پرسید، اعتقاد به این باور را مساوی با کفر به خدا و تکذیب بهشت و دوزخ می‌داند. (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۰۲)

یکی از شیوه‌های مبارزه‌ی امام رضا (ع) با نحله‌های کلامی منحرف برگزاری مناظره‌های علمی بود که در حضور افراد دیگر انجام می‌گرفت که برای نمونه مناظره‌های امام (ع) با سران واقفه‌شاهدی بارزی بر این مدعاست آغازگر این مناظره‌ها عمدتاً واقفیان بودند که شبهه‌های خود را در زمینه‌های مختلف مطرح می‌کردند و پاسخ می‌شنیدند.

شبهه‌ی عقیم بودن امام (ع)، وجوب غسل امام (ع) قبلی به وسیله‌ی امام (ع) بعدی و شبهه‌های مربوط به مهدویت امام در عرصه‌های دیگری همچون اعتراض به امام (ع) به جهت نداشتن تقیه و نیز شبهه‌ی وفات نکردن امام کاظم (ع) یا حداقل تشکیک در وفات آن حضرت از نمونه‌های این شبهه هاست. (ناصری، ۱۴۰۹ق: ج ۱: ۱۵۵ - ۱۵۴). به نقل

از این حازم گروهی از واقفه از جمله علی بن ابی حمزه بطائنی، محمد بن اسحاق بن عمار، حسین بن مهران و حسن بن ابی سعید مکاری نزد امام رضا (ع) حضور یافتند. علی بن حمزه از آن حضرت درباره‌ی پدرش و جانشینی او سؤال کردند. امام (ع) فرمود: «پدرم از دنیا رفت و جانشین او هستم.» حسین بن مهران گفت: «اگر چنین است چرا آشکارا بیان نمی‌کنید؟» امام (ع) فرمود: آیا منظورت این است که زنده‌ها رویم و بگویم من امام هستم و شما کاره‌ای نیستی؟ بدان که سیره‌ی رسول خدا (ص) در آغاز رسالتش این گونه نبود، بلکه ابتدا رسالت خود را تنها با اهل و افراد مورد اطمینان خود در میان گذارد. من هم اگر با شما از امامت خود سخن می‌گویم به سبب این است که شما امامت امامان (ع) پیش از من را قبول دارید که همه پدران من هستند و نیز به خاطر این است که در حق من نگویند که علی بن موسی درباره‌ی پدرش تقیه کرده و می‌گوید او زنده نیست. زیرا من نزد شما درباره‌ی خودم تقیه نمی‌کنم و می‌گویم من امام هستم، پس چگونه درباره‌ی پدرم تقیه کنم؟ (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲، ۲۱۳) امام رضا (ع) در مواجهه با اندیشه‌ی واقفیان که می‌گویند موسی بن جعفر (ع) رحلت نکرده است، فرمود: «سبحان الله! مات رسول الله و لم یمت موسی بن جعفر؟ بلی والله لقد مات و قسمت أمواله؛ سبحان الله! رسول الله از دنیا رفت و موسی بن جعفر (ع) از دنیا نرفت؟ بلی به خدا قسم هر آینه وفات یافت و اموالش هم تقسیم شد» (همان، ج ۱: ۱۰۶) در مورد مسئله‌ی مهدویت نیز امام رضا (ع) در ادامه‌ی احادیث وارده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع)، قائم را چهارمین فرزند خود خواند (همان، ج ۱: ۱۳۲). بدین ترتیب نه تنها مسئله‌ی مهدویت خود که سؤال برخی از افراد بود را رد کرد بلکه مهدویت پدرش را نیز رد کرد. همچنین فراوانی احادیث امام رضا (ع) در مورد مسئله‌ی امامت و اهمیت آن، علاوه بر اینکه پرده از بحران موجود در آن زمان در مورد این امر برمی‌دارد، نشان از فعالیت عمیق و واقفیه در این راستا دارد که امام (ع) در موقعیت‌های مختلف، آن را بیان و بر آن تأکید می‌ورزد. از محمد بن عیسی یقطینی روایت شده: «زمانی مردم در مورد امامت امام رضا (ع) دچار اختلاف شده بودند، مسائلی را که از آن حضرت سؤال شد و ایشان پاسخ داده بود را گرد آوردم، به ۱۵ هزار مسئله رسید» (طوسی، ۱۳۴۸ق: ۷۳) این گزارش حکایت از وسعت شبهه افکنی و شدت بحران واقفیه دارد که امام (ع) این گونه با

آن درگیر بوده و نیز نشان دهنده‌ی اهمیت مسئله است که باعث شده که امام (ع) وقت بسیاری برای آن صرف کند.

لازم به ذکر است که در نتیجه‌ی این مذاکره‌ها و گفتگوها، افرادی به حق و حقیقت رهنمون شده و در صراط مستقیم قرار گرفتند. برای نمونه، حسین بن بشار می‌گوید که پس از رحلت امام کاظم (ع)، در حالی که اعتقاد به فوت امام کاظم (ع) و امامت امام رضا (ع) نداشته، نزد امام رضا (ع) رفته و پس از گفتگو با ایشان به فوت امام کاظم (ع) و امامت امام رضا (ع) معتقد شده و بدین ترتیب شبهه‌ی حیات امام کاظم (ع) برای او رفع شده است (کشی، ۱۳۴۸ روایت ۸۴۷)

#### ۴-۴) ترویج عقاید کلامی صحیح ورد عقاید و باورهای نادرست

نخستین اقدام امام(ع) در مبارزات خود مبارزه با انتشار تشکیک‌ها و تردیدهای جریان‌های انحرافی با غلات، معرفی شخصیت آنان و پرهیز دادن شیعیان از مجالست با آنان بود. در روایتی از آن حضرت در باره‌ی غلات نقل شده است:

" الغلاه کفار و المفوضه مشرکون. من جالسهم او خالطهم او آکلهم او شاربهم او واصلهم او زوجهم او تزوج منهم او آمنهم او ائتمنهم علی امانه او صدق حدیثهم او اعانهم بشطر کلمه، خرج مو ولایه الله عز و جل و ولایه رسول الله (ص) و ولایتنا اهل البیت" (صدوق، ۱۳۷۲: ۴۹۰؛ مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۲۵: ۲۷۳) غلات کفار و مفوضه، مشرک هستند. کسی که با آنان معاشرت کند، بیاشامد، ارتباط داشته باشد، به آنان همسر دهد، از آنان همسر بگزیند، امین آنان شود، آنان را بر امانتی امین گرداند، حدیثشان را تصدیق کند یا به نصف کلمه‌ای آنان را یاری کند، از ولایت خداوند عزوجل، رسول خدا و ما اهل بیت خارج است.

همچنین امام رضا(ع) خطر همنشینی و مصاحبت با غلات را به شیعیان گوشزد نمود، چنان که فرمود: " من قال بالتناسخ فهو کافر. ثم قال (ع): لعن الله الغلاه؛ اَلَا کَانُوا یَهُوداً، اَلَا کَانُوا مَجُوساً، اَلَا کَانُوا نَصَارَى، اَلَا کَانُوا قَدْرِیة، اَلَا کَانُوا مَرَجِیة، اَلَا کَانُوا حُرُورِیة، ثم قال (ع): لَا تَقَاعِدُوهُمْ وَلَا تَصَادِقُوهُمْ و ابروا منهم، بری الله منهم" (صدوق، ۱۳۷۲: ۴۸۶ و ۴۸۷)

هرکس معتقد به تناسخ باشد، کافر است. خداوند غلات را از رحمتش دور گرداند؛

کاش یهودی بودند، ای کاش مجوس بودند، ای کاش نصرانی بودند، ای کاش قدری مذهب بودند، کاش از مرجئه بودند، با اینان (غلات) هم نشینی نکنید، رفاقت و دوستی ننمایید و از آنان بیزارى جویید که خداوند از آنان بیزارى جسته است.

آن حضرت (ع) خطاب در حدیثی خطاب به خالد نیز می‌فرماید: «کسی که قائل به جبر و تشبیه باشد کافر و مشرک است و ما از او در دنیا و آخرت بیزار هستیم. ای پسر خالد اخباری که در باره جبر و تشبیه به نام ما شایع شده است، ما نگفته ایم، بلکه غلات با کوچک کردند عظمت خدا به ما نسبت داده اند. کسی که آنان را دوست بدارد، ما را دشمن و کسی که با آنان دشمنی دارد ما را دوست داشته است. کسی که با آنان ارتباط داشته باشد، از ما بریده است و کسی که از آنان بریده باشد، با ما ارتباط پیدا کرده است. کسی که آنان را تصدیق کند، ما را تکذیب کرده و کسی که آنان را تکذیب کند، ما را تصدیق کرده است. کسی که به آنان بدهد، از ما دریغ داشته و کسی که از آنان دریغ دارد، به ما داده است، ای ابن خالد شیعیان ما آنان را ولی و یاور خود نمی‌گیرند» (همان، ص ۴۹۰؛ مجلسی، ج ۲۵: ۲۶۶)

#### ۴-۵) تربیت شاگردان نخبه

یکی از مهمترین اقدامات امام (ع) برای مبارزه با انحرافات گرایش‌های کلامی آن دوران، پرورش شاگردان نخبه و اعلام فهرست مراجع دینی مورد تایید در زمینه‌ها و رشته‌های علمی مختلف بود. یونس بن عبد الرحمن به عنوان نخبه‌ی علمی و دین‌شناس، حسین بن سعید اهوازی که ۵۰۲۶ روایت را از وی در زمینه‌های دانش‌های دینی و معارف اسلامی رسیده است (سبحانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ۲۲۱)؛ فضل بن شاذان از نخبگان فرهنگی که بالغ بر ۱۹۰ اثر مانند (الرد علی اهل التعطیل، الرد علی الثنویه، الرد علی الحشویه، کتاب الوعید، الرد علی القرامطه، کتاب الاسطناعه، بیان اهل الضلاله، الخصال فی الامامه و ...) در عرصه مبارزه فکری با گرایش‌های کلامی منحرف تالیف کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۶)؛ زکریا بن آدم نیز از نخبگان فرهنگی است (حر عاملی، بی تا، ج ۳، ۲۳۶)؛ محمد بن اسماعیل بزغ از شاگردان سیاسی و صفوان بن یحیی و محمد بن سنان نیز از نخبگان اقتصادی تربیت شده توسط امام (ع) در عرصه‌های مختلف از کیان اسلام و مبانی کلامی

امام (ع) دفاع می کردند (علامه حلی، ۱۴۱۱،: ۱۳۹)

#### ۶-۴) استفاده از اصل تحریم اجتماعی اقتصادی

امام (ع) با تکیه بر آیات قرآن کریم، به طور کلی اصحاب را از مجالست و هم نشینی با جریان های کلامی منحرف منع می نمودند. امام در یکی از سخنان خویش، مجالست و هم نشینی با فرقه واقفیه را و همچنین مجالست با مجبره را نیز تحریم نمودند (مجلسی، ۱۴۰۴ ج ۲: ۲۶۴). در واقع امام نه تنها هم نشینی و مجالست با جریان های منحرف را نهی می فرمودند؛ بلکه هرگونه ارتباط مالی را هم با ایشان ممنوع می دانستند. امام پرداخت زکات به واقفیه را حرام اعلام کردند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷). به عبارت دیگر هدف امام در حقیقت جداسازی صف آنان از صف شیعیان خود بود.

در این نوع مبارزه، امام (ع) برای جلوگیری از ایجاد جنگ های روانی در میان شیعیان و به انزوا کشاندن گروه های منحرف، شیعیان را از مجالست و همراهی با آنان منع می ساخت. نقل شده است که وقتی حضرت از همنشینی یکی از یاران خود به نام محمد بن عاصم با واقفیان خبردار شد، وی را به شدت نهی کرد:

«یا محمد بن عاصم، بلغنی أنك تجالس الواقفة قلت نعم جعلت فداک أجالسهم و أنا مخالف لهم، قال لا تجالسهم فإن الله عزوجل يقول وَ قَدْ نَزَلَ عَلَیْکُمْ فِی الْکِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آیَاتِ اللَّهِ یُکْفَرُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى یَخُوضُوا فِی حَدِيثٍ غَیْرِہِ إِنَّکُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ، یعنی بالآیات الأوصیاء الذین کفروا بها الواقفة» (کشی، ۱۴۰۴ق: روایت ۸۶۴)

در روایتی دیگر، امام (ع) با عبارت «انصب لهم من العداوه یا یحیی ما استطعت» (همان) به صحابی خود به نام یحیی بن مبارک دستور می دهد تا می تواند با واقفیه دشمنی کند از رهگذر این سیاست، خط اصیل تشیع و جامعه ی امامیه در نقطه ی مقابل واقفیه قرار گرفت و دامنه ی تأثیرگذاری آنان بسیار محدود شد

#### نتیجه گیری

عصر رضوی را می توان عصر ظهور و بروز ادیان، فرقه ها و گرایش های کلامی مختلف نامید. این فرقه ها و گرایش های کلامی در دوسطح برون اسلامی و درون اسلامی به تئوریزه کردن عقاید و تبلیغ باورهایشان مشغول بودند، در این راستا امام رضا(ع) نیز



مهمترین وجهه همت خود را ارائه واقعی مبانی کلامی امامیه، مقابله و مبارزه با ادیان، فرقه‌ها و گرایش‌های کلامی منحرف مصروف داشتند؛ با نگاهی تعمیقی این نحله‌ها و فرقه‌ها را در دوسطح برون اسلامی و درون اسلامی قابل رصد و شناسایی هستند. در سطح برون اسلامی میتوان به زنادقه و اهل کتاب و در سطح درون اسلامی به گرایش‌های کلامی فرقه‌های مختلف اهل سنت و اسماعیلیه، فطحیه، واقفیه و غلات از شیعه اشاره کرد.

تاکید بر ارکان و اصول اساسی دین، تاکید بر نصوص اسلامی، دفاع از حقانیت ولایت ائمه علیهم السلام، تاکید بر جایگاه عقل و استدلال از مهمترین مبانی کلامی امام رضا(ع) در راستای دفاع از حیثیت اسلام و تشیع امامیه است و همچنین برگزاری مناظره‌های علمی، بهره‌گیری از قرآن و تفسیر صحیح آیات قرآن آن، ترویج تشیع اعتقادی، ترویج عقاید کلامی صحیح و باطل ساختن عقاید و باورهای نادرست، تربیت شاگردان نخبه و استفاده از اصل تحریم اجتماعی و اقتصادی از مهمترین روش‌های امام رضا(ع) در راستای نقد و به چالش کشیدن فرقه‌ها و نحله‌های کلامی عصر رضوی است.

## فهرست منابع:

## قرآن کریم

- ابراهیم زاده، حمید، (۱۳۹۲ش)، *تعامل اعتقادی امامیه با فرقه‌های کلامی عصر امام رضا(ع)*، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، (۱۳۶۲ش)، *المقامات والفرق*، تحقیق: محمد جواد مشکور، نهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن مرتضی، احمد بن یحیی، (۱۴۰۹ق)، *البحر الزخار*، صنعا: دارالحکمه الیمانیه.
- اصغری، علی، (۱۳۸۵ش)، *مواضع کلامی امام رضا(ع) در برابر انحرافات فکری و عقیدتی مذاهب اسلامی*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی
- امین، شریف یحیی، (۱۳۷۸ق)، *فرهنگ نامه فرقه‌های اسلام*، ترجمه مرتضی موحدی، تهران: باز برنجکار، رضا، (۱۳۷۸ش)، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم: کتاب طه.
- بغدادی، عبد القاهر، (۱۳۶۷ق)، *الفرق بین الفرق*، مصر: مکتب نشرالثقافه الاسلامیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، *اثباه الهداه*، قم: مطبعه العلمیه.
- حلی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۱۷ق)، *خلاصه الاقوال*، قم: نشر فقاهاه.
- حموی جوینی، ابراهیم، (۱۳۷۹ش)، *مسند الامام رضا(ع)*، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران: بی جا.
- راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائج*، قم: موسسه الامام المهدی.
- خرازی قمی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ق)، *کفایه الاثر*، قم: انتشارات بیدار.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۹ق)، *الموسوعه طبقات الفقهاء*، قم: موسسه امام صادق(ع).
- شامی، فضیلت، (۱۳۶۷ش)، *تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری*، ترجمه علی اکبر مهدی پور و محمد ثقفی، شیراز: بی جا.
- شفق خواتی، محمد، (۱۳۸۶ش)، *امامت از دیدگاه زیدیه و امامیه*، مجله طلوع، شماره ۲۱.
- شهرستانی، ابوالفتوح محمد بن عبدالکریم، (۱۴۱۰ق)، *الملل و النحل*، تحقیق عبدالامیر علی مهنا و علی حسن فاعور، بیروت: دارالمعرفه.
- صابری، حسین، (۱۳۸۴ش)، *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: سمت.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، (بی تا)، *الامالی*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

\_\_\_\_\_، (۱۳۷۲ش)، *عیون اخبار الرضا(ع)*، ترجمه علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، تهران: (بی جا).

\_\_\_\_\_، (۱۳۳۸ش)، *معانی الاخبار*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: نشر اسلامی.

\_\_\_\_\_، (۱۳۷۸ش)، *عیون اخبار الرضا(ع)*، تهران: جهان.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۵۰ق)، *احتجاج*، نجف: الطبعه المرتضویه.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: موسسه معارف الاسلامیه.

عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶ق)، *مسند الامام رضا(ع)*، مشهد: آستان قدس رضوی.

عیاشی، محمد بن مسعود، (بی تا)، *تفسیر العیاشی*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: مکتب العلمیه الاسلامیه.

العلوی، محمد بن الحسین، (۱۳۴۲ش)، *بیان الادیان*، تهران: موسسه مطبوعاتی فراهانی.

فضل الله، محمد جواد، (۱۳۸۳ش)، *تحلیلی از زندگانی امام رضا(ع)*، ترجمه محمد صادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

غروی نائینی، نهله، میراحمدی سلوکروبی، عبد الله، (۱۳۷۸ش)، *گونه های مقابله با فرقه های کج*

*اندیش در سیره امام رضا(ع)*، *فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی*، شماره ۲۳

فضل الله، محمد جواد، (۱۳۸۳ش)، *تحلیلی از زندگانی امام رضا(ع)*، ترجمه محمد صادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

فیاض لاهیجی، عبدالرازق، (بی تا)، *گوهر مراد*، تهران: انتشارات اسلامیه.

فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر*، قم: موسسه دارالهجره.

قرشی، باقر شریف، (بی تا)، *حیاه الامام الرضا علیه السلام*، بیروت: منشورات سعید بن جبیر.

قیومی، جواد، (۱۳۷۳ش)، *صحیفه الرضا(ع)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ق)، *الرجال الکشی*، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.

کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸ش)، *رجال الکشی*، مشهد: انتشارات دانشگاه.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۵ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، تهران: مکتبه الاسلامیه

- لک زایی، صغری، قاسم نژاد، زهرا، (۱۳۹۱)، گونه‌شناسی برخورد امام رضا(ع) با جریان‌های انحرافی جامعه اسلامی، فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود، شماره ۳۸
- مازندارنی، ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸ش، مناقب آل ابی طالب، قم: ذوی القربای
- محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۱ش، ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و سیر تشیع در ایران، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مدرسی، حسین، ۱۳۷۴ش، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه. تهران: بی جا.
- مرتضوی، سید محمد، ۱۳۷۵ش، نهضت کلامی در عصر امام رضا(ع)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مشکور، محمد جواد، ۱۳۶۸ش، تاریخ شیعه و فرق‌های اسلام تا قرن چهارم، تهران: اشرفی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵ش، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- \_\_\_\_\_، بی تا، هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذاهب، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.
- مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، الارشاد، قم: موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵ق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تهران: اسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۸ش، مناظرات تاریخی امام رضا(ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- میراحمدی، منصور؛ رضایی پناه، امیر، ۱۳۹۵ش، تحلیل گفتمان‌های مناظره‌ها و مجادله‌های امام رضا(ع) با دگرهای گفتمانی، فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، شماره ۱۴.
- میرحسینی، یحیی؛ کریمی، محمود، ۱۳۹۲ش، روش‌های رویارویی امام رضا(ع) با پیروان ادیان، فرق و مذاهب اسلامی، فصلنامه مطالعات فرهنگ، ش ۲۳.
- نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۰۷ق، فهرست النجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- نویختی، حسن بن موسی، ۱۳۵۵ق، فرق‌الشیعه، نجف: مطبعه الحیدری.

## Explanation of the theological foundations of Imam Reza (peace be upon him) and the criticism of other sects and theological schools in Razavi era

Yaghoub Fathi<sup>1</sup>

### Abstract

Imam Reza (PBUH) was one of the solid scientific pillars of Shiite theology. The narrations and manuscripts left by him show the power of Shiite theology and the validity and strength of Imami reasoning. The era of Imam Reza (PBUH) can be considered as the appearance time of religions, sects and different theological schools. These theological schools at both extra and intra-Islamic levels were engaged in theorizing their ideas and propagating their beliefs and notions. In this regard, Imam Reza (PBUH) also spared no pains to present the theological principles of the imamiyah, to confront and fight against deviant religions, heretical sects and wrong theological schools. Using a descriptive-analytical method, this research tries to criticize the intellectual and theological schools in Razavi era while explaining Imam Reza (PBUH) theological foundations. The Findings suggest that the most important theological principles of Imam Reza (PBUH) are emphasizing fundamental principles of religion, Islamic texts and imperative role of rational reasoning, defending the rightfulness of the guardianship of the infallible Imams (PBUT) and using the Qur'an and the correct interpretation of Qur'anic verses.

**Keywords:** Imam Reza's theological principles, sects, theological schools, extra-Islamic, intra-Islami.

---

<sup>1</sup>. Assistant professor of Islamic Theology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.